

مقدمه	۱
فصل اول: کلیات عرفان و اشعار	۲
فصل دوم: سیرت و تصنیفات	۳
فصل سوم: سبک و سوز	۴
فصل چهارم: سبک و سوز	۵
فصل پنجم: سبک و سوز	۶
فصل ششم: سبک و سوز	۷
فصل هفتم: سبک و سوز	۸
فصل هشتم: سبک و سوز	۹
فصل نهم: سبک و سوز	۱۰
فصل دهم: سبک و سوز	۱۱
فصل یازدهم: سبک و سوز	۱۲
فصل بیستم: سبک و سوز	۱۳
فصل بیست و یکم: سبک و سوز	۱۴
فصل بیست و دوم: سبک و سوز	۱۵
فصل بیست و سوم: سبک و سوز	۱۶
فصل بیست و چهارم: سبک و سوز	۱۷
فصل بیست و پنجم: سبک و سوز	۱۸
فصل بیست و ششم: سبک و سوز	۱۹
فصل بیست و هفتم: سبک و سوز	۲۰
فصل بیست و هشتم: سبک و سوز	۲۱
فصل بیست و نهم: سبک و سوز	۲۲
فصل سی و یکم: سبک و سوز	۲۳
فصل سی و دوم: سبک و سوز	۲۴
فصل سی و سوم: سبک و سوز	۲۵
فصل سی و چهارم: سبک و سوز	۲۶
فصل سی و پنجم: سبک و سوز	۲۷
فصل سی و ششم: سبک و سوز	۲۸
فصل سی و هفتم: سبک و سوز	۲۹
فصل سی و هشتم: سبک و سوز	۳۰
فصل سی و نهم: سبک و سوز	۳۱
فصل سی و دهم: سبک و سوز	۳۲
فصل سی و یازدهم: سبک و سوز	۳۳
فصل سی و بیستم: سبک و سوز	۳۴
فصل سی و یکم: سبک و سوز	۳۵
فصل سی و دوم: سبک و سوز	۳۶
فصل سی و سوم: سبک و سوز	۳۷
فصل سی و چهارم: سبک و سوز	۳۸
فصل سی و پنجم: سبک و سوز	۳۹
فصل سی و ششم: سبک و سوز	۴۰
فصل سی و هفتم: سبک و سوز	۴۱
فصل سی و هشتم: سبک و سوز	۴۲
فصل سی و نهم: سبک و سوز	۴۳
فصل سی و دهم: سبک و سوز	۴۴
فصل سی و یازدهم: سبک و سوز	۴۵
فصل سی و بیستم: سبک و سوز	۴۶
فصل سی و یکم: سبک و سوز	۴۷
فصل سی و دوم: سبک و سوز	۴۸
فصل سی و سوم: سبک و سوز	۴۹
فصل سی و چهارم: سبک و سوز	۵۰
فصل سی و پنجم: سبک و سوز	۵۱
فصل سی و ششم: سبک و سوز	۵۲
فصل سی و هفتم: سبک و سوز	۵۳
فصل سی و هشتم: سبک و سوز	۵۴
فصل سی و نهم: سبک و سوز	۵۵
فصل سی و دهم: سبک و سوز	۵۶
فصل سی و یازدهم: سبک و سوز	۵۷
فصل سی و بیستم: سبک و سوز	۵۸
فصل سی و یکم: سبک و سوز	۵۹
فصل سی و دوم: سبک و سوز	۶۰
فصل سی و سوم: سبک و سوز	۶۱
فصل سی و چهارم: سبک و سوز	۶۲
فصل سی و پنجم: سبک و سوز	۶۳
فصل سی و ششم: سبک و سوز	۶۴
فصل سی و هفتم: سبک و سوز	۶۵
فصل سی و هشتم: سبک و سوز	۶۶
فصل سی و نهم: سبک و سوز	۶۷
فصل سی و دهم: سبک و سوز	۶۸
فصل سی و یازدهم: سبک و سوز	۶۹
فصل سی و بیستم: سبک و سوز	۷۰
فصل سی و یکم: سبک و سوز	۷۱
فصل سی و دوم: سبک و سوز	۷۲
فصل سی و سوم: سبک و سوز	۷۳
فصل سی و چهارم: سبک و سوز	۷۴
فصل سی و پنجم: سبک و سوز	۷۵
فصل سی و ششم: سبک و سوز	۷۶
فصل سی و هفتم: سبک و سوز	۷۷
فصل سی و هشتم: سبک و سوز	۷۸
فصل سی و نهم: سبک و سوز	۷۹
فصل سی و دهم: سبک و سوز	۸۰
فصل سی و یازدهم: سبک و سوز	۸۱
فصل سی و بیستم: سبک و سوز	۸۲
فصل سی و یکم: سبک و سوز	۸۳
فصل سی و دوم: سبک و سوز	۸۴
فصل سی و سوم: سبک و سوز	۸۵
فصل سی و چهارم: سبک و سوز	۸۶
فصل سی و پنجم: سبک و سوز	۸۷
فصل سی و ششم: سبک و سوز	۸۸
فصل سی و هفتم: سبک و سوز	۸۹
فصل سی و هشتم: سبک و سوز	۹۰
فصل سی و نهم: سبک و سوز	۹۱
فصل سی و دهم: سبک و سوز	۹۲
فصل سی و یازدهم: سبک و سوز	۹۳
فصل سی و بیستم: سبک و سوز	۹۴
فصل سی و یکم: سبک و سوز	۹۵
فصل سی و دوم: سبک و سوز	۹۶
فصل سی و سوم: سبک و سوز	۹۷
فصل سی و چهارم: سبک و سوز	۹۸
فصل سی و پنجم: سبک و سوز	۹۹
فصل سی و ششم: سبک و سوز	۱۰۰

رودولف اوتو

عرفان شرق و غرب

تحلیلی مقابله‌ای
درباره ماهیت عرفان

مقدمه، ترجمه و تحقیق:
انشاءالله رحمتی
ویراسته مصطفی ملکیان



سرشناسه	: اتو، رودلف ۱۸۶۹-۱۹۳۷م
عنوان و نام پدیدآور	: عرفان شرق و غرب، رودلف اتو؛ ترجمه انشاءالله رحمتی.
مشخصات نشر	: تهران: سوفیا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۴۸۰ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۵۹-۵-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فیپا).
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: نمایه.
شماره افزودنی	: رحمتی، انشاءالله، ۱۳۴۵-.
رده‌بندی کنگره	: BL۶۲۵/الف۸ع۴
رده‌بندی دیوید	: ۲۹۱/۴۲
شماره کتاب‌ناسی ما	: ۵۱۳۶۶۴۹

این اثر ترجمه‌ای است از:

Rodolf Otto, *Mysticism East and West. A Comparative Analysis of the Nature of Mysticism*, 1960

نشر سوفیا، ۱۳۹۷، ۷۹۵-۰۹۱۲

n.sophia1388@gmail.com

سایت: www.sophianashr.com

رودولف اتو

عرفان شرق و غرب

ترجمه:

انشاءالله رحمتی (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی)

ویراسته: مصطفی ملکیان

چاپ نخست: ۱۳۹۷

بهاء: ۴۶۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۵۰۰

فهرست مطالب

۱۱ پیشگفتار مترجم: دین و عرفان مقایسه‌ای
۱۱ درآمد
۱۳ ضرورت مقایسه
۱۴ موضوع: عرفان و معنویت
۱۸ روش
۲۲ زمانه انفس
۲۵ گفتگویی فراتاریخی
۳۲ عرفان متسلسلی و توحیدی
۴۳ جمع‌بندی و سجدات سیر
۴۵ کتابنامه
۴۷ پیش‌درآمد
۵۱ مقدمه

بخش اول

۵۹ فصل ۱: تشابه در نظرپردازی مابعدالطبیعی
۷۷ فصل ۲: نه مابعدالطبیعه، بلکه نوعی آموزهٔ حیات
۹۷ فصل ۳: راه معرفت
۱۰۹ فصل ۴: دو طریق: عرفان درون‌نگری و عرفان شهر و بلدان / متحدکننده
۱۱۳ یک: طریق درونی
۱۱۴ دو: طریق وحدت
۱۱۶ سه: ست اوّه ادم اگره آسیت، اکم ادوتیم
۱۱۸ نازل‌ترین مرحله

مرحلهٔ دوم	۱۲۴
مرحله سوم	۱۲۸
فصل ۵: بررسی بیشتر در خصوص مراحل طریق دوم	۱۳۱
فصل ۶: موضع مشترک آنها علیه دیگر گونه‌های عرفان	۱۵۳
یک. مخالفت هردوی آنها با اشراق‌گرایان	۱۵۳
دو. مخالفت مشترک هردو با عرفان تجربه‌گرایی عاطفی ..	۱۵۷
سه. مخالفت مشترک هردو با عرفان طبیعت	۱۵۸
فصل ۷: آتمن و نفس	۱۶۳
ک. آتمن و برهمن. نفس و الوهیت	۱۶۳
دو. عرفان نفس	۱۶۵
سه. «عرفان نفس» آراسته به «عرفان خدا»	۱۶۹
چهار. آتمن از پائین به بالا است	۱۷۲
پنج. «اس» عرفی	۱۷۳
فصل ۸: مخلوق و ما	۱۷۵
فصل ۹: دین به عنوان تعالی نفس	۱۹۱
فصل ۱۰: زیربنای خداپاورانه مشترک	۱۹۷
یک. زیربنای خداپاورانه در شکره	۱۹۷
دو. بنیاد خداپاورانه در اکهارت	۲۲۵

گذر از بخش نخست به بخش دوم

تمایزیابی تجربه عرفانی به‌طور کلی و تشریح آن بر بنای	۲۴۷
نمونه‌های هندی	

بخش دوم: تفاوت‌ها، اکهارت در برابر شکره

مقدمه	۲۸۳
پیش‌درآمد	۲۸۷
فصل ۱: حیات‌مندی. عرفان پویا	۲۹۱
فصل ۲: احساس تعالی و تواضع به مثبت دو قطب تجربه	۳۱۱
فصل ۳: مرد گوتیک	۳۱۵

- فصل ۴: محتوای اخلاقی. نجات به عنوان ارزش عینی ۳۲۱
- فصل ۵: محتوای اخلاقی. آموزه عرفانی به عنوان آموزه عادل... ۳۲۹
- شمردگی / تیرنه
- فصل ۶: محتوای اخلاقی. عرفانی به عنوان تجربه فیض ۳۳۹
- فصل ۷: محتوای اخلاقی. عرفان و اخلاق..... ۳۴۷
- فصل ۸: محتوای اخلاقی. ارزش‌گذاری جهان..... ۳۵۱
- فصل ۹: محتوای اخلاقی. وجود و محبت ۳۵۵
- فصل ۱۰: محتوای اخلاقی. نفس، روح، وجدان ۳۵۹

پیوست‌ها

- پیوست ۱: آموخته ادویته ۳۶۳
- پیوست ۲: عشق زانا به «دو طریق» در شلایر ماخر ۳۸۳
- پیوست ۳: ردی‌نشان‌ها بی‌از شهود متحدکننده در کانت و فریس. ۳۹۹
- پیوست ۴: دیدگاه برتر درباره روش در مکاشفه ۴۰۵
- پیوست ۵: جستجوی نجات نه معرفت علمی ۴۱۱
- پیوست ۶: درهم‌تنیدگی متقابل «دو طریق» عرفان ۴۱۵

پی‌نوشت‌های بخش اول

- پی‌نوشت‌های فصل ۱ ۴۲۹
- پی‌نوشت‌های فصل ۲ ۴۳۰
- پی‌نوشت‌های فصل ۳ ۴۳۱
- پی‌نوشت‌های فصل ۴ ۴۳۲
- پی‌نوشت‌های فصل ۵ ۴۳۴
- پی‌نوشت‌های فصل ۶ ۴۳۵
- پی‌نوشت‌های فصل ۷ ۴۳۵
- پی‌نوشت‌های فصل ۸ ۴۳۶
- پی‌نوشت‌های فصل ۹ ۴۳۸
- پی‌نوشت‌های فصل ۱۰ ۴۳۸
- پی‌نوشت‌های انتقال از بخش نخست به بخش دوم..... ۴۴۱

پی‌نوشت‌های بخش دوم

۴۴۳	پی‌نوشت‌های مقدمه
۴۴۳	پی‌نوشت‌های فصل ۱
۴۴۳	پی‌نوشت‌های فصل ۲
	پی‌نوشت‌های فصل ۳
	پی‌نوشت‌های فصل ۴
۴۴۵	پی‌نوشت‌های فصل ۵
۴۴۶	پی‌نوشت‌های فصل ۶
	پی‌نوشت‌های فصل ۷
۴۴۵	پی‌نوشت‌های فصل ۸
۴۴۶	پی‌نوشت‌های فصل ۹

پی‌نوشت‌های نبوت‌ها

۴۴۶	پی‌نوشت‌های پیوست ۱
۴۴۸	پی‌نوشت‌های پیوست ۲
۴۴۹	پی‌نوشت‌های پیوست ۳
	پی‌نوشت‌های پیوست ۴
۴۴۹	پی‌نوشت‌های پیوست ۵
۴۴۹	پی‌نوشت‌های پیوست ۶
۴۵۱	واژه‌نامه
۴۶۱	نمایه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. شکر و سپاس بی قیاس سزاوار دادار
 آفریدگار بی مثل و مانند و بی همتاست، که وحدت ذات او موجب کثرت
 و سبب پیدایی عالم و عالمیان گشت و این همه مظاهر رنگارنگ و
 تعینات گوناگون از یکی و یگانگی او موجود و نمایان گردید. و آن برهَم
 و آن نور مطلق و عقل خالص، که سراسر ذوق و شادی و سرور و راحت
 است، از روی تنزل و فرود آمدن خود از آن مرتبه اطلاق و بی قیدی، این
 - "راکه کثرت و دوتی لازم آن است، پیدا کرد، و منی و توتی در میان
 آمد - بر فندرسکی، منتخب جوک باشست).

پیش‌نویس: مرجع: دین و عرفان مقایسه‌ای

درآمد

رودولف اوتو (۱۸۶۹-۱۹۵۷) می‌توان دین پژوه، به‌طور
 خاص تر عرفان پژوه یا حتی عرفان شناس، دانست. در آثار مختلف
 خویش به ویژه در دو اثر ماندگار از آن دیان، یعنی فکرت امر قدسی و
 عرفان شرق و غرب، گام بلندی در زمینه شناخت حقیقت دین و عرفان
 برداشته است. بی‌راه نبود که فیلسوف بزرگی چون اوتو دموند هوسرل
 (۱۸۵۹-۱۹۳۸)، که عمیقاً تحت تأثیر کتاب فکرت امر قدسی قرار
 گرفته بود، بخش‌های توصیفی و تحلیلی این کتاب را به آثار راستینی
 برای پدیدارشناسی دینی می‌دانست (ر.ک.: وولف، ۱۳۸۶، ص ۷۷۶).
 و صاحب نظری چون جان مک کواری، از سر تأیید و تصویب نسبت به
 جایگاه رفیع اوتو در زمینه دین پژوهی می‌نویسد استاد خود من، چارلز
 کمبل گفته است، اوتو با اختلاف زیاد از دیگران روشن‌گرترین متفکر
 دینی دوران مدرن است (مک کواری، ۱۳۷۸، ص ۳۱۹).

محقق ژرف‌اندیشی چون هانری کربن (۱۹۸۷-۱۹۰۳) که غالباً نسبت به پژوهش‌های عینی و عرفی درباره دین نظر مساعد ندارد، زیرا در نهایت کارشان به قداست زدایی از دین می‌انجامد، دربارهٔ تحقیق اوتو زبان به تحسین می‌گشاید. از نظر وی دین‌شناسی راستین باید نوعی «قداست‌شناسی»^۱ باشد یا لاقلاً بتواند وجههٔ قدسی دین را در مدّ نظر قرار دهد. در تبیین‌های عرفی شده دوران معاصر که عمدتاً از منظر عینی، انجام می‌شود این وجهه مغفول می‌ماند و چه بسا آگاهانه با آن مقابله می‌شود. در عین حال فقط تعداد اندکی از آن میان را می‌توان قداست‌شناسانه خواند. کربن «کتاب زیبا و دوران‌ساز رودولف اوتو با عنوان *فکرت امر قدسی*» را در کنار اثر برجسته‌ای از فان در لیو با عنوان *ذات و جلوه دین* نوی پدیدارشناسی^۲، آثاری مثال‌زدنی در زمینه قداست‌شناسی می‌داند (Corbin, 1998, p. 10).

رویکرد اوتو در زمینه تبیین ژوهی را می‌توان نوعی روان‌شناسی توصیفی یا به عبارت دیگر پدیدارشناسی آگاهی دینی دانست. در کتاب *فکرت امر قدسی*، این رویکرد به‌کار بسته شده و درک عمیقی که در آن کتاب از حقیقت دین به دست داده می‌شود حاصل به‌کارگیری آن است. (در ترجمه و شرح اثر فوق که امیدوارم در آینده تقدیم اهل نظر شود، این رویکرد را تشریح کرده‌ام). کتاب حاضر، یعنی *عرفان شرق و غرب* را می‌توان ادامه و امتداد کاری دانست که اوتو در کتاب *فکرت امر قدسی* آغاز کرده است. در این پیشگفتار عمدتاً به آن بخش از آثار اوتو که به تحقیق مقایسه‌ای در زمینه دین و عرفان مربوط است، می‌پردازم و می‌کوشم تا در حد توان، اهمیت و جایگاه این جنبه از تحقیق وی، در عرصه تحقیقات مقایسه‌ای را تبیین کنم.

1. hierology

2. Van de leeuw of Gröningen's *Religion in Essence and Manifestation: a phenomenology*

انکار نمی‌توان کرد که وجود پیوندهای فرهنگی میان ملت‌ها، پدیده‌ای مبارک است و از جمله فواید و برکات آن، این است که با نشان دادن تفاهم و تعامل به جای تقابل و تخاصم، از بسیاری از ستیزه‌ها جلوگیری می‌کند. زیرا هرگاه آدمی از سرحق‌طلبی به چیزی عالم شود، به نوعی نسبت بدان تعلق خاطر پیدا می‌کند، بلکه از آن خویش‌اش می‌داند و آن به یک معنا از آن خویش‌اش می‌کند. در مواجهه هم‌دلانه و عاری از تعصب با دیگران، آدمی علاقمند می‌شود که از حقایقی که در نزد آنهاست درس‌ها را آموزد و به موجب همین فهم دیگران، بسیاری از کژفهمی‌ها، تک‌رمدی‌ها، غرض‌ورزی‌ها و تعصب‌ها نیز اصلاح می‌شود. به علاوه، رهنی و بطن‌ها بر بنیاد این پیوندهای فرهنگی استوار باشد، دیگر به راحتی دستخوش اغراض سیاسی و حتی منافع اقتصادی قرار نمی‌گیرد. این پیوند استوار، مانع از آن می‌شود که ملت‌ها به دلیل اغراض سیاسی یا منافع اقتصادی، با هم فاصله بگیرند یا حتی با هم بستیزند. به راحتی بتوانند از منافع خویش به خاطر منفعت و مصلحت ملت دیگری که پیوندی معنوی یا فرهنگی با آن دارند، درگذرند. به نظر، این انسانی‌ترین و اخلاقی‌ترین غایی است که می‌توان برای تحقیقات مقایسه‌ای در نظر گرفت.

غایت دیگری که می‌توان برای تحقیق مقایسه‌ای در نظر گرفت، غایت معرفتی است. آدمی هم در مقام داوری در باره دیدگاه‌های مختلف و هم به منظور حکم و اصلاح و جرح و تعدیل آنها و پخته‌تر کردن‌شان، لااقل یکی از کارآمدترین روش‌هایی که در اختیار دارد، مقایسه است. در حقیقت این قاعده که «تُعَرَفِ الاشياءَ باضدادها» در اینجا به تمام معنا صدق می‌کند. از طریق مقایسه می‌توان عیار دیدگاه‌های مختلف را معلوم

کرد. اما، همانطور که در جهان، هر چیزی به نحوی با هر چیز دیگر نسبت می‌یابد و بنابراین می‌توان آنها را مقایسه کرد، در خصوص دیدگاه‌ها و دستاوردهای فکری ملل و نحل مختلف نیز همین گونه است. لیکن بدیهی است که نمی‌توان میان دو فرهنگ یا دو ملت هر چیزی را به هر روشی مقایسه کرد. هم باید در تعیین موضوع برای مقایسه و هم در مقام تعیین روش و رویکرد مناسب برای اجرای آن، دقت و ژرف‌نگری لازم را مبذول داشت. در آن صورت می‌توان حقّ یک تحقیق مقایسه‌ای را ادا کرد.

پیش از پرداختن به موضوع و روش مقایسه، باید نکته‌ای را متذکر شوم. در انجام مقایسه را در برابر واژه comparison به کار می‌برم و آن را با «تطبیق» (correspondence) فرق می‌گذارم. مقایسه به معنای تعیین نسبت‌های میان دو اندیشه، نظریه، مکتب و غیره است. در مقایسه میان آنها ممکن است تشابه‌های شان نشان داده شود و در عین تفاوت‌ها یا حتی تقابل-هاشان نیز مورد تأکید قرار بگیرد. ولی تطبیق، به معنای منطبق ساختن دو اندیشه، نظریه، مکتب و غیره بر یکدیگر است به گونه‌ای که در نهایت وحدت میان آنها مبین گردد. به نظرم مقایسه و تطبیق تفاوت ماهوی با هم ندارند. هر مقایسه‌ای، تطبیق نیست، ولی هر تطبیقی، مقایسه‌ای است که تا آخرین حد ممکن پیش می‌رود به این معنا که اگر مانع میان دو اندیشه، وحدت و این همانی برقرار باشد، از حد نشان داد و وجوه اشتراک و افتراق آنها در می‌گذرد و آن وحدت و این همانی را نشان می‌دهد.

موضوع: عرفان و معنویت

موضوعات بسیاری برای مقایسه وجود دارد، می‌توان زبان، عرف، سیاست، حقوق، حتی پوشاک و خورد و خوراک را با هم مقایسه کرد، ولی به نظرم مقایسه چنین موضوعاتی، نمی‌تواند بنیاد استواری برای

پیوندهای فرهنگی دو ملت، تأمین کند. زیرا حتی اگر بپذیریم که چنین موضوعاتی، عناصر هویتی یک ملت اند، خود آنها بر بنیادهای ژرف تری استوارند. از سوی دیگر، ممکن است برخی وجوه حیات ملت‌ها، مانند اخلاق، از مؤلفه‌های عمیق و اساسی هویت یک ملت باشند، ولی از آنجا که غالباً میان همه ملت‌ها مشترک اند و تفاوت در خور توجهی به لحاظ اخلاق در میان ملت‌ها وجود ندارد، بررسی مقایسه‌ای درباره آن موضوعیت پیدا نمی‌کند. در حقیقت وجوه فلسفی، دینی و معنوی اقوام و ملت‌ها، هم عناصر هویتی ژرف آنها را تشکیل می‌دهند و هم لااقل در نگاه نخست توأمان تشابه‌ها و تقابلهای جدی در میان‌شان، مشهود است. به همین روی فلسفه مقایسه‌ای دین، مقایسه‌ای و عرفان مقایسه‌ای، از جمله مباحث نظری جدی در روزگار است. اگر بناست گفتگوی جدی و سازنده‌ای میان ملل و نحل مختلف برقرار شود، باید عمده‌تاً بر این موضوعات متمرکز شد و این گفتگو در مسائلی بر چنین بنیادهایی، استوار ساخت.

عرفان مقایسه‌ای و به‌طور کلی مقایسه‌ای، در جهان امروز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امر روزه از «دکده جهانی» سخن به میان می‌آید و به راستی تا آنجا که به نسبت‌های مادی و مکانی مربوط است، مرزها در نوردیده شده است و انسانها به راحتی می‌توانند در دورترین فاصله‌های مکانی از یکدیگر به سر ببرند و در عین حال هر لحظه از حال و روز یکدیگر آگاه باشند. این پدیده بی‌سابقه‌ای است و هیچ نمونه‌ای از آن را در تاریخ بشر نمی‌توان نشان داد. و اما تا آنجا که به درک و فهم همه باطنی و معنوی مربوط است، بدیهی است که در هیچ زمانی انسان‌ها تا بدین پایه از هم دور نبوده‌اند. و این معنا نه فقط در خصوص انسان‌هایی که در مکان‌های دور از هم به سر می‌برند، که در خصوص کسانی هم که در کنار هم روزگار می‌گذرانند، صدق می‌کند. یکی از ژرف‌ترین وجوه

«شکاف نسلی» که این همه از آن سخن به میان می‌آید، همین است. باری زبان مشترک حکمت از دست رفته است.

منظورم از زبان مشترک حکمت، همان زبانی است که انسان‌ها، وقتی در مکان‌های بسیار دور از هم و با فاصله زمانی بسیار و حتی به زبان‌های متفاوت، سخن می‌گفته‌اند، در عین حال سخن همدیگر را به تمامی فهم می‌کرده‌اند. این اتحاد باطنی و همدلی معنوی همان است که درباره‌اش گفته‌اند «متحد جان‌های مردان خداست». عرفان مقایسه‌ای، به معنایی که اینجا در مدّ نظر است، در حقیقت تلاش برای احیاء این زبان مشترک حکمت است. اگر تعبیر «حکمت» را به کار می‌برم، برای آن است که بگویم این زبان، یک زبان احساسی و عرفانی محض نیست، یا زبانی نیست که فقط در حکم تعیین علامات و اماراتی برای اشاره به «اسرار مگو» باشد. این زبان، در اصل یک ساحت منطقی و عقلی نیز دارد و بنابراین گزاره‌ها و احکام بیان شده در قالب آن را می‌توان تحت بررسی و مذاقه نیز قرار داد.

چنین مقایسه‌ای را می‌توان در یک سطح کلی میان مشرق زمین و مغرب زمین انجام داد، گو اینکه هم مشرق زمین خود مشتمل بر سنت‌ها و ادیان مختلف است و هم در مغرب زمین ادیان و مکاتب عرفانی مختلف، هر چند نه به اندازه تنوع در مشرق زمین وجود دارد و بدیهی است که به تعداد ادیان، مکاتب، فیلسوفان و عارفان و شیخ‌انای عرفانی خلق شده در دامان مشرق زمین و مغرب زمین، می‌توان تحقیقات مقایسه‌ای سازنده انجام داد. با توجه به اینکه امروزه مشرق زمین و از جمله جهان اسلام، به لحاظ فکری و معنوی، وضعیت کاملاً متفاوتی با جهان غرب دارد، خوب است ابتدا فایده‌ی عرفان مقایسه‌ای، به لحاظ هریک از مشرق زمین و مغرب زمین، به‌طور جداگانه بررسی شود.